

◆ چه عوامل کلیدی در موفقیت کشورهای

پیشرو در امر صنعتی شدن مهم و تأثیرگذار

بوده است؟

در کشورهای پیشرو، رویکرد اقتصاد آزاد به‌عنوان اولویت در برنامه‌ریزی‌های اقتصادی موردنظر است و به مالکیت خصوصی احترام گذاشته می‌شود، به‌طوری‌که دخالت دولت در اقتصاد بسیار کم و مسائل مربوط به قیمت‌گذاری در این کشورها بسیار محدود است، دولت‌ها سعی دارند که کسری بودجه نداشته و تورمشان ناچیز باشد. از طرفی دیگر اندازه دولت‌ها در مقایسه با اندازه دولت در کشور ما کوچک‌تر است.

برای توسعه صنعتی نیاز به حضور در بازارهای بین‌المللی است؛ موضوعی که در کشور ما بسیار ضعیف بوده، در واقع خریدوفروش با کشور ما با اکراه انجام می‌شود، سرمایه‌گذاری انجام نمی‌شود و تکنولوژی‌های خارجی نیز به کشور وارد نمی‌شوند. رویکرد آزادی اقتصادی در کشور وجود ندارد و دولت در همه امور مربوط به اقتصاد دخالت نموده و با انجام قیمت‌گذاری‌ها، تغییر در بخشنامه‌ها،

گفت‌وگو

گفت‌وگو با «مهدی پورقازی» مدیرعامل شرکت نیرومند پلیمر و رییس سابق کمیسیون صنعت اتاق تهران

مزیت‌ها را باید ساخت



اگر می‌خواهید کشور صنعتی شود در وهله‌ی اول بایستی وزارت صمت استراتژی توسعه صنعتی داشته باشد؛ یعنی یک نقشه‌ای باشد که در آن مشخص شود کشور چگونه می‌تواند در این مسیر حرکت کند، چه نیازهایی دارد، در این مسیر چه موانعی وجود دارد و غیره. در واقع در تعریف استراتژی بایستی سیاست‌های پولی، بانکی تعریف شود.



با این برداشت که هر کشوری باید در هر صنعتی مزیت داشته باشد، موافق نیستیم؛ در واقع مزیت‌ها وجود ندارند، بلکه ساخته می‌شوند، اما در ایران بروکراسی و وجود سیستم فشل دولتی در اقتصاد مانع از توسعه صنعتی شده و فرآیند صنعتی شدن را بسیار سخت می‌کند. مهدی پورقازی، مدیرعامل شرکت نیرومند پلیمر و رییس سابق کمیسیون صنعت اتاق تهران معتقد است که با ادامه چالش‌ها، آینده سرمایه‌گذاری در کشور شفاف نیست؛ با اصلاح روابط بین‌المللی، رابطه اقتصادی شکل می‌گیرد و امکان توسعه صنعتی نیز فراهم می‌شود و باید دخالت دولت در اقتصاد کم شود تا سرمایه‌گذاری معنی پیدا کند.

او توصیه می‌کند که با توجه به جنگ اسرائیل با ایران، بهتر است که فعالان اقتصادی وضعیت موجود بنگاه خود را حفظ کنند، بدهی به اشخاص را کم کرده و روی بدهی به بانک‌ها تمرکز کنند، دارایی‌های خود را حفظ کنند و پرداخت‌های مربوط به کارکنان خود را به‌موقع انجام دهند.



تعرفه‌ها و مقررات مربوط به صادرات و واردت مشکلات فراوانی در اقتصاد ایجاد می‌کند، در صورتی‌که در یک کشور صنعتی وقتی فعال صنعتی تصمیم به صادرات می‌گیرد با اظهار کالا به گمرک و در زمان واردات با ارائه پروفورما به بانک و بازگشایی LC ظرف مدت چند ساعت این کار انجام می‌شود، در صورتی‌که همین پروسه در کشور ما سه تا ۱۲ ماه طول می‌کشد.

همچنین تورم در کشور ما در حدود ۴۰ درصد است، در حالی‌که در یک کشور صنعتی این عدد به میزان دو درصد است، لذا مشخص است با چنین تورمی هیچ‌کدام از سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی تمایل به انجام سرمایه‌گذاری ندارند.

رهبر انقلاب هرساله یک شعار اقتصادی مانند جهش تولید، سرمایه‌گذاری برای تولید و غیره برای نام‌گذاری سال انتخاب می‌کند، این نام‌گذاری‌ها بیشتر جنبه نمایشی دارد و هیچ‌کدام عملی نمی‌شود و در پایان هر سال، سرمایه‌گذاری که انجام نشده هیچ، حتی مقداری از سرمایه‌ها هم از کشور خارج شده است؛ بنابراین سیاست نام‌گذاری

سال‌ها کمکی به توسعه کشور نمی‌کند. به نظر می‌رسد که در سطح حاکمیت، اراده‌ای برای توسعه صنعتی کشور وجود ندارد و تازمانی هم که این اراده وجود نداشته باشد و دائماً مانع ایجاد شود، بعید می‌دانم در کشور ما توسعه‌ای اتفاق بیفتد.

♦♦ چگونه یک کشور در صنعتی مشخص مزیت رقابتی پیدا می‌کند، به نظر جنابعالی ایران در چه صناعی می‌تواند مزیت رقابتی پیدا کند؟

من با این برداشت که هر کشوری باید در یک صنعتی مزیت داشته باشد، موافق نیستم. در واقع مزیت‌ها وجود ندارند بلکه مزیت‌ها تولید می‌شوند. برخی مزیت‌ها در کشورها ذاتی و بالقوه هستند؛ برای مثال کشور ما دارای نفت و گاز است، بین دو دریا قرار دارد، ۱۵ همسایه دارد و غیره، اما پایه اصلی توسعه اقتصادی کشورها بر مبنای مزیت‌هایشان نیست، بلکه کشورهای توسعه‌یافته خود مزیت‌ها را ایجاد می‌کنند؛ برای مثال کشور ما در سال ۱۳۴۰ مزیتی در زمینه خودروسازی نداشت، اما به همت مدیران ایران ناسیونال و شرکت‌های دیگر با انجام سرمایه‌گذاری‌هایی، مزیت ایجاد و بعد از گذشت چند سال ایران به قطب خودروسازی تبدیل شد؛ هر چند که بعد از انقلاب دچار مشکل گردید، اما در آن زمان این مزیت در کشور ایجاد شده بود. مثال دیگری از خلق مزیت صنعت نانو است. بنابراین بایستی مزیت‌ها ساخته شود. البته برداشت دیگری نیز وجود دارد این که یک کشور روی یک یا دو مزیت تمرکز کند و مابقی نیاز خود را از بیرون تأمین کند نیز توصیف درستی از مزیت نیست و با این رویکرد نیز موافق نیستم.

♦♦ در زمینه فرآیند ناممکن صنعتی شدن کشور و توقف در خط صنعتی شدن چه نقطه نظراتی دارید و چه باید کرد؟

همان‌طور که در سؤال اول اشاره کردم، اگر می‌خواهید کشور صنعتی شود در وهله‌ی

اول بایستی وزارت صمت استراتژی توسعه صنعتی داشته باشد؛ یعنی یک نقشه‌ای باشد که در آن مشخص شود کشور چگونه می‌تواند در این مسیر حرکت کند، چه نیازهایی دارد، در این مسیر چه موانعی وجود دارد و غیره. در واقع در تعریف استراتژی بایستی سیاست‌های پولی، بانکی تعریف شود. در موضوع توسعه صنعتی، صادرات و واردات بایستی سیاست «ترک تخاصم» لحاظ شود. در حال حاضر ما با همه دنیا، همسایگان، اسرائیل و آمریکا چالش داریم؛ بنابراین در چنین شرایطی توسعه صنعتی با تخاصم با دنیا پیش نمی‌رود. برای رشد صنعتی ناگزیریم که با دنیا دست دوستی دهیم. در جنگ ۱۲ روزه که در هفته‌های گذشته رخ داد، با وجود خسارت و لطماتی که به زیرساخت‌ها و منابع کشور وارد شده است، توسعه صنعتی ممکن نیست و باید سال‌ها تلاش کنیم که تمام آنچه در این جنگ با بمب و موشک از بین رفته، از نو بسازیم که این روش توسعه نیست بلکه یک عقب‌گرد است.

در سیاست‌های داخلی نیز بایستی دخالت دولت کم شود؛ در حال حاضر یک فعال اقتصادی برای انجام واردات به واسطه بانک مرکزی و مراحل دیگر اخذ مجوزها بیچاره می‌شود و این‌قدر کالا در گمرکات مانده که در مراحل اخذ مجوز واردات متوقف شده‌اند. راه‌حل این مشکل این است که بانک مرکزی اجازه دهد هر کدام از فعالان اقتصادی که می‌خواهند واردات انجام دهند، ارز موردنیاز را از صادرکننده گرفته و کالای خود را وارد کنند.

یکی از موانع موجود دیگر، چند نرخی بودن ارز است و دولت حاضر نمی‌شود ارز را تک‌نرخی کند، در حال حاضر در کشور ارز ۲۸ هزارتومانی، ۶۷ هزارتومانی، ۸۰ هزارتومانی و چند نرخ دیگر داریم. از طرفی دیگر معطلی، ایجاد بروکراسی و وجود سیستم فشل دولتی در اقتصاد مانع از توسعه صنعتی شده است و فرآیند صنعتی شدن را بسیار سخت می‌کند و بایستی اساس آن را اصلاح نمود.





به اعتقاد من آینده سرمایه‌گذاری در کشور تاریک است. جایی که آرامش نیست، جایی که چشم‌انداز روشن نیست، برق و آب نیست، ارتباط بین‌المللی نیست، کسی سرمایه‌گذاری نمی‌کند. نیاز به تغییرات مهمی است. با وجود اینکه امسال به نام «سرمایه‌گذاری برای تولید» نام‌گذاری شده است، اما از نظر من سرمایه‌گذاری نخواهد شد و چه بسا بخشی از سرمایه‌گذاری‌های قبلی هم تعطیل شده و از کشور خارج شوند. گفته می‌شود «سرمایه همانند آهو است، بوی باروت که بشنود، فرار می‌کند».

♦♦ ارزیابی شما از سیاست‌های صنعتی کشور در حمایت از نوآوری چیست؟ در مورد مشارکت‌های دولتی - خصوصی در پیشبرد نوآوری چه توضیحاتی ارائه می‌نمایید؟

نوآوری موضوع بسیار مهمی است؛ در کشور ما بخشی از فعالیت‌ها در این حوزه، توسط صندوق نوآوری و شکوفایی ریاست جمهوری انجام می‌شود که بسیار کارهای خوبی هم انجام شده است، اما هنوز بنگاه‌های اقتصادی متقاعد نشده‌اند که به واحدهای تحقیق و توسعه نیاز دارند. البته بایستی بودجه‌ای که این صندوق در اختیار بنگاه‌های صنعتی دانش‌بنیان قرار می‌دهد، بیشتر شود. در حال حاضر این صندوق تا ۸ میلیارد تومان از بنگاه‌ها حمایت می‌کند که با وجود نیاز سرمایه در گردش بنگاه‌ها، این مبلغ جوابگو نیست. در مورد مابقی واحدهای متولی در حوزه نوآوری از جمله بانک‌ها، وزارتخانه‌ها، وزارت دارایی و صمت بنده فعالیت‌هایی ندیده‌ام.

همچنین مشارکت‌ها باید تعریف شده و محدود باشند در شرایطی که نمی‌توان روی قول دولت حساب کرد، مشارکت دولتی و خصوصی معنی پیدا نمی‌کند. دولت قول داده که در تابستان امسال خاموشی نخواهیم داشت، اما از اردیبهشت، برق واحدهای شهرک صنعتی در تهران قطع می‌شود؛ بنابراین بنده به‌عنوان یک صنعتگر حاضر نیستم هیچ نوع مشارکتی به‌عنوان سرمایه‌گذاری مشترک با دولت انجام دهم و معتقدم بیشتر بخش‌های خصوصی نیز علاقه‌ای به چنین مشارکتی ندارند، چون اساساً راه ارتباطی بین دولت و بخش خصوصی بسته شده و دولت هم حاضر نیست هیچ‌کدام از اعضای بخش خصوصی با او وارد مشارکت و

همکاری شوند.

در حال حاضر تنها مشارکت، بین بخش خصوصی و بانک‌ها انجام می‌شود که در این مورد نیز واحدهای اقتصادی دنبال نرخ ویژه نیستند و با همان نرخ ۲۳ درصد راضی هستند و می‌توانند کار کنند و نوآوری نیز داشته باشند.

♦♦ آینده سرمایه‌گذاری صنعتی کشور را چگونه می‌بینید؟

به اعتقاد من آینده سرمایه‌گذاری در کشور تاریک است. جایی که آرامش نیست، جایی که چشم‌انداز روشن نیست، برق و آب نیست، ارتباط بین‌المللی نیست، کسی سرمایه‌گذاری نمی‌کند. نیاز به تغییرات مهمی است.

با وجود اینکه امسال به نام «سرمایه‌گذاری برای تولید» نام‌گذاری شده است، اما از نظر من سرمایه‌گذاری نخواهد شد و چه بسا بخشی از سرمایه‌گذاری‌های قبلی هم تعطیل شده و از کشور خارج شوند. گفته می‌شود «سرمایه همانند آهو است، بوی باروت که بشنود، فرار می‌کند».

با وجود وضعیتی که در کشور به دلیل جنگ رخ داده است، مردمی که در نگرانی به سر می‌برند و شاید به اندازه سابق انگیزه‌ای برای کار ندارند. دولت باید سیاست «ترک تخصص» را دنبال کند و این موضوع را بپذیرد که سیاست او در مقابل همسایه‌ها و منطقه در چهل و چند سال اخیر نادرست بوده است و به جایی رسیده است که علاوه بر اسرائیل، همسایگان نیز در کنارمان نیستند. همان‌طور که مشاهده کردید لبنان فرودگاه خود را بست، سوریه حاضر نیست بدهی‌های خود را به دولت برگرداند، عراق و بقیه همسایگان

نیز به شکل‌های دیگر.

بنابراین به‌عنوان اولین قدم با اخذ سیاست ترک تخصص در روابط بین‌المللی، رابطه اقتصادی شکل گرفته و آرامش به کشور برمی‌گردد و امکان توسعه صنعتی نیز مهیا خواهد شد. اینکه طالبان در افغانستان یا اسرائیل در غزه چه کاری انجام می‌دهند، به رشد و توسعه اقتصادی ما کمک نمی‌کند. در قدم دوم نیز بایستی دخالت دولت در اقتصاد کم شود؛ برای مثال در حال حاضر بروکراسی عجیب‌وغریبی که در بانک مرکزی وجود دارد به مانع بزرگی در امر صادرات و واردات تبدیل شده است. دولت بایستی زیرساخت‌ها را احیا کند تا مادامی‌که زیرساختی مثل آب یا برق، جاده، وسایل حمل‌ونقل وجود نداشته یا فرسوده باشند امکان سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی ممکن نخواهد بود. خیلی از فعالان اقتصادی ما در مناطق صنعتی در امارات، ارمنستان و ترکیه سرمایه‌گذاری کرده‌اند، به این دلیل که در کشور ما روی هیچ‌کدام از سیستم‌های مالیاتی، تأمین آب و برق، گاز و غیره نمی‌توان حساب کرد؛ لذا سرمایه‌گذاری معنی پیدا نمی‌کند و قرارگیری در مسیر توسعه نیز اتفاق نمی‌افتد.

همچنین با توجه به جنگی که در کشور رخ داده است بهتر است فعالان اقتصادی با توجه به نوع فعالیت خود وضعیت موجود بنگاه را حفظ نموده و به دنبال توسعه نباشند. بنگاه‌داران سعی کنند که تا حد امکان بدهی به اشخاص را کم کرده و به‌جای آن روی بدهی به بانک‌ها تمرکز کنند، پرداخت‌های مربوط به کارکنان خود را به‌موقع انجام داده و دارایی‌های خود را حفظ کنند. III